



راهنمای  
اخلاقی  
اظهار فضل

## در فضای مجازی

سر در می‌آوردند و می‌توانستند تحلیل دقیق و آگاهانه‌ای از شرایط و اوضاع ارائه دهند، زیاد نبودند.

اما امروز همه با یک گوشی هوشمند در دست و یک «جویشگر مجازی»<sup>۱</sup> در زیر انگشتان، دانشمندان. از آخرین یافته‌های فضای باخبرند، قرص و دارو تجویز می‌کنند، برای فعالیت در بهابازار (بورس) راهبرد پیشنهاد می‌دهند، سیاست‌های داخلی و خارجی را به هم می‌دوزند، گیاهان آپارتمانی را تیمار می‌کنند و در تربیت کودک صاحب‌نظرند. گویی «دسترسی به اطلاعات» کاملاً جایگزین «دانایی و تخصص» شده است.

در این شرایط که هر روز در هر گروه و کانال و اتاق مجازی با بحث‌ها و اظهارنظرها و تحلیل‌های گوناگون از آدم‌های غریبه و آشنا روبه‌رو می‌شویم، «اخلاق» چه توصیه‌هایی به ما دارد و چه کمکی می‌کند که شرایط را برای خودمان و دیگران بهتر کنیم؟

پیش از این گفتیم، آداب فردی، ارتباطی و اجتماعی در کاربری رسانه‌ها را به اختصار «فن آداب» می‌نامیم و ضروری است همه ما در حوزه‌های مرتبط با شأن و جایگاه خود، این آداب را بشناسیم و در رعایت آن‌ها بکوشیم. در این نوبت برخی نکته‌های اخلاقی در زمینه «اظهار نظر» و «تحلیلگری» در رسانه‌های مجازی را مرور می‌کنیم.

\*\*\*

پیش از پیدایش اینترنت، برای کسب آگاهی به تلاش و حرکت زیادی نیاز داشتیم. پاسخ سؤال‌ها یا در کتاب‌ها بود یا نزد دانشمندان. برای دسترسی به کتاب‌ها یا دانشمندان هم باید از جایمان بلند می‌شدیم و با صرف زمان و هزینه، به کتابخانه‌ها و محفل‌های علمی و مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها می‌رفتیم. به همین دلیل، افرادی که از موضوعات تخصصی

## ۲. شناخت ریشه‌های توهم دانایی

فرض نکنیم «توهم دانایی» فقط برای مادر بزرگ‌ها یا بچه‌مدرسه‌ای‌ها رخ می‌دهد. آقایان **دیوید دانینگ** و **جاستین کروگر** در سال ۱۹۹۹ میلادی، طی تحقیقاتی نشان دادند، همه مادر معروض توهم دانایی هستیم. اثر «دانینگ-کروگر» به زبان ساده می‌گوید:

«افرادی که در یک مهارت ضعیف هستند، متوجه نیستند که ضعیف هستند و سطح توانمندی خود را بالاتر از آنچه هست برآورد می‌کنند. در طرف مقابل، افرادی که در یک مهارت بسیار قوی هستند، به قوی بودن خودشان آگاه هستند، اما فکر می‌کنند حتماً دیگران همچنین مهارتی را دارند و توانایی دیگران را بالاتر از آنچه هست برآورد می‌کنند!»

این اثر خیلی هم غیرمنتظره نیست. بسیاری از ما این وضعیت را در خودمان و دیگران تجربه و مشاهده کرده‌ایم. به بیان دیگر، توهم دانایی نوعی سوگیری شناختی است که افرادی که در مسیر دانایی قدم بر می‌دارند، در اولین مراحل مهارت‌آموزی و تجربه‌اندوزی به آن دچار می‌شوند. نوعی غرور ناشی از کم‌دانشی، چنانکه **سعدی** در گلستان گفته است: «دانا چون طبله عطار است: خاموش و هنرنمای؛ نادان چون طبل غازی: بلند آواز و میان تهی»، یا چنانچه در بوستان می‌گوید: «تواضع کند هوشمند گزین / نهد شاخ پرمیوه سر بر زمین»

## ۳. در فضیلت سکوت

برای رهایی از تله «توهم دانایی» و پرهیز از دام «دانش وانمودی» قوی‌ترین و مؤثرترین توصیه اخلاقی «سکوت» است. «دعوت به سکوت» وجه مشترک مکتب‌های اخلاقی شرق و آموزه‌های ادیان توحیدی است. چنانکه برای نمونه هم در کتاب «اصول کافی»، «بَابُ الصَّمْتِ وَ حِفْظِ اللِّسَانِ» (فصل سکوت و نگهبانی از زبان) و در بوستان و گلستان سعدی بابی «اندر فضیلت خاموشی» مشهور است.

زبان درکش ای مرد بسیار دان

که فردا قلم نیست بر بی‌زبان

کم‌آواز هرگز نبینی خجل

جوی مشک بهتر که یک توده گل

از نصیحت‌های **کنفسیوس** گرفته تا پندهای سعدی، دعوت به سکوت، هم به عالمان، برای حفظ جایگاه، و هم به جاهلان، برای رعایت حرمت خویش، توصیه شده است: «نادان را به از خاموشی نیست، و گر این مصلحت بدانستی، نادان نبودی!»

اگر عالمی، هیبت خود مَتر

و گر جاهلی، پرده خود مَدر

## ۱. شناخت «دانش وانمودی» از «دانش عمیق»

ماجرای بامزه‌ای نقل می‌کنند از **ماکس پلانک**، فیزیکدان آلمانی برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۱۸ میلادی، که برای تشریح نظریه‌های علمی خود شهر به شهر سفر می‌کرد و راننده او که در همه این جلسات حاضر بود، تمام سخنرانی‌های تکراری او را حفظ کرده بود. یک بار برای شوخی آقای راننده به جای خود دانشمند به بالای صحنه رفته و با دقت همان سخنرانی علمی تکراری را برای حضاران بازگو کرده بود. اما در آخر سخنرانی، وقتی در پاسخ به سؤال علمی یکی از مستمعان درمانده بود، اشاره به جناب ماکس پلانک، که لباس راننده را پوشیده بود، کرده و گفته بود: «پاسخ این سؤال شما را حتی راننده من هم بلد است» این طور از زیر بار پاسخ واقعی در رفته بود.

اصطلاح «اثر شوفر» یا «دانش شوفر» (شوفر به معنای راننده در زبان آلمانی) بار جاع به این داستان خوش مزه، به افراد سطحی‌نگری اشاره می‌کند که صرفاً بخش قابل مشاهده دانش را می‌بینند و گمان می‌کنند دانش را به خوبی دریافت کرده‌اند، در حالی که این فقط توهمی از دانایی است، نه خود دانایی. دانش‌های تخصصی مانند کوه یخ عمقی بسیار بیشتر از چیزی دارند که در ظاهر دیده می‌شوند. اینجاست که از نظر اخلاقی ادعای صاحب نظر بودن در سیاست، اقتصاد، پزشکی، مدیریت، دین و فرهنگ، بدون مطالعه عمیق و اندیشه دقیق، ادعایی نادرست و گزاف است.

به نظر می‌رسد در دنیای رسانه‌های اجتماعی که سخن گفتن و اظهار نظر کردن به وظیفه‌ای همگانی شبیه شده است، همچنان در اکثر موارد می‌توان به اکسیر صبر و سکوت متوسل شد:

بهایم خموش‌اند و گویا بشر

زبان بسته بهتر که گویا به شر

#### ۴. در مذمت بیهوده‌گویی

گویا چرخیدن در صفحه‌های مجازی، گروه‌ها و کانال‌ها، بدون گذاشتن نظر و پاسخ‌دادن یا بازنشر، لذت زیادی ندارد. این تصادفی نیست. طراحان رسانه‌های اجتماعی، با هدف رونق بیشتر سکوی خود، به دنبال جلب مشارکت بیشتر کاربران هستند. لذا در به‌روزرسانی‌های پی‌درپی با بهینه‌کردن تجربه کاربری<sup>۲</sup> امکان انتشار محتوا و واکنش نسبت به پیام‌های دیگران را تسهیل می‌کنند. این فرایند باعث می‌شود ساکت‌ترین کاربران هم تحریک شوند و چیزی بگویند؛ چه برسد به فعالان و بیش‌فعالان. این می‌شود که فضای رسانه‌های اجتماعی آینده از سخن‌های بیهوده‌ای است که گفتنش به کسی سودی نمی‌رساند و اگر گفته نشود کسی ضرر نمی‌کند.

حذر کن ز نادان ده‌مرده گوی

چو دانا یکی گوی و پرورده گوی

در مواجهه با بیهوده‌گویان (یا به قول سعدی ژاژخوایان حاضر جواب!) هم توصیه به صبر و سکوت است. نشنیده گرفتن و گذر کردن به نرمی و رندی از کنار چنین صحنه‌هایی، جزئی از فرهنگ دینی و قرآنی ماست: «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (آیه ۶۳ سوره فرقان).

#### ۵. در مذمت اظهار فضل بی‌جا

«خودنمایی» از جمله انگیزه‌های سخن گفتن بیهوده و بحث و جدل بی‌ثمر در رسانه‌های اجتماعی است. فضای مجازی دنیای بی‌جسمی است. آدم‌ها نه با بدن‌هایشان، که با ذهن‌هایشان در اینترنت حاضر می‌شوند و راهی به جز استخدام کلمات برای به‌رخ‌کشیدن علم و فضلشان به دیگران ندارند. لذا بدون اینکه کسی چیزی پرسیده باشد، پاسخ می‌گویند و قبل از اینکه ابهامی وجود داشته باشد، توضیح و اوضاحت می‌دهند. البته این رفتار غیراخلاقی به‌زمان ما مربوط نمی‌شود. چنان‌که سعدی هم گفته است: «هر که با داناتر از خود بحث کند تا بداند که داناست، بداند که نادان است.»

هیجان روانی ناشی از این خودنمایی تا جایی بالا می‌گیرد که آداب ساده گفت‌وگو هم رعایت نمی‌شود و طرفین بارها در

میان حرف هم می‌پزند و اجازه طرح کامل بحث را نمی‌دهند. این هم در گلستان سعدی مسبوق به سابقه است: «یکی را از حکما شنیدم که می‌گفت، هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است، مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته، سخن آغاز کند.»

سخن را سراسر است ای خردمند و بن

میاور سخن در میان سخن

خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش

نگوید سخن تا نبیند خموش

#### ۶. در مذمت سکوت نابجا

همه این‌ها که گفتیم در نکوهش گفتار نابخردانه و تحلیلی‌گری ناصواب بود؛ چون آفت شب و روز رسانه‌های نوین همین است. اما از یاد نبریم که سکوت نابجا همان قدر غیراخلاقی است که سخن نابجا. سعدی گفته است:

و گر بینم که نابینا و چاه است

اگر خاموش بنشینم گناه است

دعوت به خیر، واسطه‌گری صلح، جلوگیری از شر و مقابله با خطا، همگی به سخن سنجیده و بهنگام نیاز دارند. اگر رفتاری اخلاقی در معاشرتی مجازی اقتضای سکوت دارد، در معاشرتی دیگر الزام به سخن می‌آورد.

اگرچه پیش خردمند خامشی ادب است

به وقت مصلحت آن به که در سخن کوشی

دو چیز طیره عقل است: دم فرو بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی

\*\*\*

راه اخلاق راه اعتدال است. عدل، قرارداد هر چیز است در جای خود، و اعتدال میانه‌روی عاقلانه است در رفتار و گفتار. صنایع فرهنگی و فناوری‌های دیجیتال، چنان‌که اقتضای هر صنعت و فناوری نوینی است، بر مدار پول و سرمایه می‌گردند. پس با نشانه گرفتن میل و فکر مخاطبان، آنان را به مشتریانی وابسته و پرمصرف تبدیل می‌کند تا از این راه چرخ‌های صنعتی و اقتصادی خود را بچرخاند.

کاربر اخلاق مدار رسانه‌های اجتماعی، برای باقی ماندن در مدار عدل و اعتدال، باید «نه گفتن» را بیاموزد و به هر رفتار متعارفی بله نگوید. خدا اسراف‌کاران را دوست ندارد.

پی‌نوشت‌ها

1. Search Engine
2. UX

منبع

Kruger, Justin; Dunning, David (1999). "Unskilled and unaware of it: How difficulties in recognizing one's own incompetence lead to inflated self-assessments". *Journal of Personality and Social Psychology*.